

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام عليكم و رضوانه و ريحانه مائيم وجهانی پيش رو در انتظارما! يا فتاح در طلعيه ظهور ولايت سيد مجتبی خامنه ای «حفظه الله»، ما شاهد حضور درکرانه معنایابی از زندگی شدیم که تا دیروز از آن غافل بودیم، ما با او وارد مرحله جدیدی از انسان سیاسی الهی شدیم، انسانی برانگیخته برای ساخت جهان های از دست رفته! استعدادهایی که با شروع این جنگ به فعلیت رسیدند آنهم نه در ساحت فردی بلکه در یک ساحت و فعلیت اجتماعی، جهانی در میان ویرانه های عالم تکنیک و مدرنیته، برای خلق انسان جدید انتظار می کشید و این با شهادت سيد علی گشوده شد. ما در لبه خلق معنایابی متعالی از حماسه و خون و فتح به تاریخی هستیم که مناسباتش را تا امروز بر صورت پول و ثروت و شهوت و قدرت بنا کرده بود. این دستاوردی است که نیازمند روایت و حفظ است. وقتی معنا از جامعه ای رخت بر می بندد، پوچی تاروپود زندگی آدمی را در می نوردد و اینگونه است که تاریخ، تاریخ فرار می شود! فرار از خود و سرکردن با انواع بیخودی ها برای گذران زندگی سرد و بی روح، و تاریخ در فروبستگی درجا می زند! اینک، بار دیگر رایحه معنا و فطرت و معنویت از دست رفته از جانب شرق جغرافیای تاریخ به مشام غرب زده بشر وزیده است و نوید و عطر دیگری را با خود دارد. زندگی بدون ننگ و عار و تعفن زده ایزوردیسم، دستی از دل تاریخ بلند شده است و به سوی آدمیت کشیده شده تا او را از غربت غربی دوران در طلوع افقی نو و امتدادی سرخ از خون انسان های پاک در عالمی سراسر معنا و شور و حماسه بکشانند. عزیزان، اگر در پی انتقام خون شهید سيد علی می گردید، انتقام خون این شهید خلق حماسه معنایی از انسان است که مناسبات عالم مدرن سالیانی است با فریب و شهوت و قدرت آن را از پیش روی انسان ها با خلق نظام سرمایه داری و مناسبات ساختار لیبرال وگم شدن معنویت در بستر سکولاریسم پنهان کرده است و الان این سرمایه عظیم (خون جوشیده سيد علی) در اختیار تاریخ ماست تا با روایت حماسه این خون بنیان و روح اومانیسم و نظام تکنیکی یزید دوران را ویران کنیم! اما کو زینبی؟ کو زین العابدینی؟؟ اگر گرفتار نزاع هایی شدید که اساسا نزاعی خارج از فهم این تاریخ بود شما نتوانستید حامل پیام آن حماسه باشید و نتوانستید بر قلّه فتح آن تشّت رسوایی بنی امیه دوران را بر ملا بکنید و مگر جز این است که یکی از مطهرات نجاست های تاریخی در طول سالیان متمادی خصوصا از حادثه کربلا به بعد «خون» است، خون شهید کاخ کفر را ویران می کند. یک جهان خون خواه او خواهند شد اگر روایت این خون افقی که آنها هم سالیانی است در انتظار آن هستند را پیش چشم شان نشان دهد. اگر این خون، هبه ای است الهی که خداوند آن را به امت محمدی ارزانی داشت تا موجبات رسوایی تاریخ یزیدی را بر ملاکنیم، جفاست اگر

گرفتار نزاع های بی مایه و سیاسی شویم. رفقا، خونخواه امام شهیدمان خداست و این خون مطهر ظهور اراده ای است که تاریخ دیگری را برایمان می گشاید و عجل نباشید و بمانید و ببینید و با عقل و عشق مجرا و مجلای طلوع این خونی باشید که غایت اش پایان کفر است. وقتی سخن از اراده تاریخی خداوند در دل یک ملت می شود باید نقش مان را در آن اراده ذیل ولی آن تاریخ پیدا کنیم تا به خوبی از دل آن تاریخ گذر کنیم. امروز بیش از هر روز دیگر، اراده خداوند را در آغوش ملتی احساس می کنیم که خودشان را در بعثت اراده الهی مبعوث می بینند و پرچم دار مشیت تاریخی حق در عالم شده اند. و صد افسوس و فغان که این شور و جوشش حماسه را با تنازع برهم بزنیم!!! خدا از این ناشکری نخواهد گذشت.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حکایت کلمات جنابعالی، حکایت هر آن کسی است که متوجه شده آری! انسانی که به گفته شما در عین سیاسی بودن، الهی باید باشد و در عین الهی بودن، سیاسی. و امام شهید ما همه این حکایت بود و چه شهادتی بود این شهادت! اگر دیروز این زینب «سلام الله علیها» است که آن شهادت را درک کرد و در جای خود عالمی شد تا ما در صحیفه وجود او افقی را نظارت کنیم، که خدا می داند هر روز عظیم تر از دیروز این افق خودنمایی می کند و چه هنرمندانه این بانوی بزرگ متوجه شدند آن حضور، نیازمند روایت و حفظ است؛ نکته ای که جنابعالی در نسبت شهادت رهبر شهیدمان متذکر شدید.

گفتید اینک بار دیگر راحه معنویت و فطرت از دست رفته به مشام غرب زده بشر وزیدن آغاز کرده تا او را از غربت غربی دوران در طلوع افقی نو که حکایت حماسه و ایمان است، بکشاند، و حقیقتاً چنین است. و معنای انتقام را درست روایت کردن حماسه آن خون دانستید و حال، ملاحظه می کنید که از یک طرف این امام سجاد «علیه السلام» است که با حضوری نرم همچون حضور آیت الله سید مجتبی خامنه ای به میان آمده و از طرف دیگر این بانوان ما می باشند که چگونه بعثت تاریخی خود را در حرکات و کلام خود تجربه می کنند تا آغازی باشند برای فردای مان. و به گفته شما جهانی می باشند که همه خونخواه امام شهیدشان هستند ولی زینب گونه. و این جا است که آری! و صد آری! چه اندازه به بیراهه می رویم اگر مشغول دعوای سطحی شویم به گمان این که هر کدام، خود را حق می دانیم و برادران ایمانی خود را باطل. <https://eitaa.com/arshiv۳۱۳۳/۱۷۷> آیا وقتی در دل چنین شهادتی می توانیم پرواز کنیم، شایسته است که هر کدام پای دیگری را پایین بکشیم؟ موفق باشید